

حسن تعلیل:

آوردن یک دلیل شاعرانه (غیر منطقی) برای یک پدیده ساده و روزمره. دلیل حسن تعلیل به هیچ عنوان نباید در عالم واقع صدق کند. موضوعات بسیار ساده اند و دلایل کاملاً بی ربط.

مثال:

باران همه بر جای عرق می چکد از ابر / پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد
صد جوی آب بسته ام از دیده بر کنار / بر بوی تخم مهر که دل بکارمت

شاعران برای ساختن حسن تعلیل اصولاً از فرمول های خاصی استفاده می کنند که به شرح زیر است:
(۱) تا «علت»؛ «پدیده»؛ تا چشم تو ریخت خون عشاق / زلف تو گرفت رنگ ماتم (تا: برای آنکه)

(۲) از آن «پدیده» که «علت»؛ خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده / که اندر خاک می جویند ایام جوانی را

(۳) «علت» زان «پدیده»؛ پسته دهان بسته زان بود که ندارد / چربی و شیرینی زبان که تو داری

(۴) «پیش پا افتاده» عجب نیست که «علت»؛ ای گل ار سرخ برآیی عجبی نیست که تو / شرمسار از رخ آن لاله عذار آمده ای

(۵) غلط نکنم : اگر نه نرگس چمن کشیده باده کهن / چرا خزد به خویشتن چو کهنه می گسار ها؟

(۶) چرا / تا که : مرا چو صبح به دست دعا نگه دارید / که روشن است جهان از نفس کشیدن من

(۷) رفتار درست برعکس (بازی با الفاظ) : به سرو گفت کسی میوه ای نمی آری؟ / جواب داد آزادگان تهی دستند

هرگاه تیب کلمات مصرع ۱ و ۲ بسیار باهم تفاوت داشت:

(۱) اگر پدیده و علت داشتیم حسن تعلیل است.

(۲) اگر موضوع و مثال داشتیم اسلوب معادله است.

تحت حن تعلیل؛ تیپ ۱:**۱- در کرام بیت آرایه حسن تعلیل وجود دارد؟ (سراسری ریاضی ۸۳)**

- ۱) همیشه تا برآید ماه و خورشید / مرا باشد به وصل یار امید
- ۲) اگر چه تلخ باشد فرقت یار / در او شیرین بود امید دیدار
- ۳) کسی که سبتر است از هزار بار بهار / کسی شگفت کسی آن چنان که می دانی
- ۴) بشکن دل بی نوای ما را ای عشق / این ساز شکسته اش خوش آهنگ تر است

۲- در کدام بیت حسن تعلیل به کار رفته است؟ (کارشناسی ارشد ۹۰)

- ۱) پیش صاحب نظران ملک سلیمان باد است / بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است
- ۲) همچو نرگش بگشا چشم و ببین کاندرا خاک / چند روی چو گل و قامت چون شمشاد است
- ۳) خیمه انس مزین بر در این کهنه رباط / که اساسش همه بی موقع و بی بنیاد است
- ۴) خاک بغداد به مرگ خلفا می گیرد / ورنه این شط روان چیست که در بغداد است

۳- در کدام گزینه حسن تعلیل به کار رفته است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۵)

- ۱) در نظرم آفتاب سایه نشین است / زیر کله ی روی دلستان که تو داری
- ۲) هرگز نبود سرو به بالا که تو داری / یا مه به صفای رخ زیبا که تو داری
- ۳) بسیار بود سرو روان و گل خندان / لیکن نه به این صورت و بالا که تو داری
- ۴) پسته دهان بسته زان بود که ندارد / چربی و شیرینی زبان که تو داری

حن تعلیل؛ تیپ ۲**۱- در کدام گزینه حسن تعلیل بکار نرفته است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۸)**

- ۱) عجب نیست از خاک اگر گل شکفت / که چندین گل اندام که در خاک خفت
- ۲) خورشید فروزنده شبی پرده نشین شد / کامد به در از پرده مه چهارده تو
- ۳) رسم بد عهدی ایام چو دید ابر بهار / گریه اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد
- ۴) هرگه به صد کرشمه پری وار بگذری / بر چشم خود کشد فرشته خاک راه تو

۲- در همه گزینه ها به جز گزینه آرایه حسن تعلیل بکار رفته است. (سراسری انسانی ۸۴)

- ۱) به زیور ها بیاریند وقتی خوب رویان را / تو سیمین تن چنان خوبی که زیور ها بیارایی
- ۲) تا نه تاریک بود سایه انبوه درخت / زیر هر برگ چراغی بنهند از گلنار
- ۳) اشک غماز من ار سرخ برآید چه عجب / خجل از کرده ی خود پرده دری نیست که نیست
- ۴) گر شاهندان نه دنیوی و دین می برند و عقل / پس زاهدان برای چه خلوت گزیده اند

۳- در کدام بیت آرایه حسن تعلیل وجود ندارد؟

- ۱) در وداع شب همانا خون گریست / روی خون آلود زان بنمود صبح
- ۲) تا چشم تو ریخت خون عشاق / زلف تو گرفت رنگ ماتم
- ۳) مرا چو صبح دست به دعا نگه دارید / که روشن است جهان از نفس کشیدن من
- ۴) مرا چو آبله بگذار تا شوم پا مال / نمی رسد چون به کس فیض از رسیدن من

۴- در کدام بیت آرایه حسن تعلیل به کار رفته است؟ (سنجش ۸۹)

- (۱) تا چشم بشر نبیند روی / بنهفته به ابر چهر دل بند
 (۲) ای روشن خدا / چاه از آن زمان که تو در آن گریستی ، جوشان است
 (۳) از آن مرد رانا دهان دوخته است / که بیند که شمع از زبان سوخته است
 (۴) کدام وامدارترین / دین به تو یا تو بدان / هیچ دینی نیست که وام دار تو نیست .

حسن تعلیل

در لغت به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن است و در اصطلاح ادبی آن است که دلیلی هنری (شاعرانه) و غیرواقعی برای امری بیاورند؛ به گونه‌ای که بتواند مخاطب را اقناع کند و خیال انگیز باشد.

به بیت زیر توجه کنید:

به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی‌آری؟ جواب داد که آزادگان تهی دست‌اند

سعدی

صراحت: در بهشت عافیت افتادم از بی حاصلی / شد حصاری بی بری از سنگ طفلان بید را
 لباس عافیتی هست اگر در این عالم / که دست خار از آن کوتاه است عریانی است
 سرو از بی ثمری خلعت آزادی یافت / جگر خویش مخور گر ثمری نیست تو را

تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند بیا که صاف شود این هوای بارانی

قیصر امین پور

صراحت: جهان در انتظار آمدن امام زمان است. (روز موعود و ظهور)

چقدر آسمان از نبودت بگیرد / چقدر ابرها در فراق تبارد
 آه می‌خواهم که قبل از مرگ خویش / دست بر دامانت آویزم بیا

نرگس همی رکوع کند در میان باغ زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی

منوچهری

صراحت: اغراق در زیبایی باغ

بوسه زد باد بهاری به لب سبزه به ناز / گفت در گوش شقایق گل نسرین صد راز
 تله: قدقامت و فریاد مؤذن نکند گوش / آن کس که به فریاد بود زان قد و قامت

باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر پیداست که از دست کریم تو حیا کرد

قائمی شیرازی

صراحت: از حیای لب شیرین تو ای چشمه نوش / غرق آب و عرق اکنون شکری نیست که نیست

رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد

حافظ

هرابته: حافظ اگرچه در سخن خازن گنج حکمت است / راز غم روزگار دون طبع سخن‌گزار کو

از آن مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته‌است

سعدی

هرابته: نیاموزد بهایم از تو گفتار / تو خاموشی بیاموز از بهایم
زبان درکش ای مرد بسیار دان / که فردا قلم نیست بر بی زبان

هنگام سپیده‌دم خروس سحری دانی که چرا همی‌کند نوحه‌گری؟
یعنی که نمودند در آینه صبح از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری

خیام

هرابته: راحله عمر به چندین شتاب / می‌بردت سوی عدم مست خواب
هشدار که سرمایه‌ی سودای جهان / عمر است چنان کش‌گذرانی گذرد

تت‌های حسن تعلیل برای خانه:

تست ۱: کدام گروه از بیت‌ها همگی «حسن تعلیل» دارند؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| الف) دانی ز چه سرخ رویم؟ ایراک (زیرا) | بسیار دمیدم آتشش غم |
| ب) کفر دانی چیست دین را قبله خود ساختن | معنی کفر از نمی‌دانی ز اهل دین پیرس |
| ج) این اشک به چشم من از آن جای گرفته است | کاندر طلب وصل تو بسیار دویده است |
| د) از آن رنگ رخم خون در دل افتاد | وز آن گلشن به خارم مبتلا کرد |
| ه) نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم | همه بر سر زبانند و تو در میان جانی |
| ۱) الف، ب، ه | ۲) ب، د، ه |
| ۳) ب، ج، د | ۴) الف، ج، ه |

تست ۲: در تمام گزینه‌ها علتی شاعرانه برای یک پدیده واقعی آمده است؛ به جز

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) اگر نه چشم تو افراسیاب ترک چرا | به گردش از مژه صف بسته از دو روی سپاه |
| ۲) هیچ دانی که چرا پسته چنان می‌خندد | زانکه گفتم که بدان پسته دهن می‌مانی |
| ۳) ای عبید این گل صد برگ بر اطراف چمن | هیچ دانی که سحرگاه چرا می‌خندد |
| ۴) دانی تو که شمع را چرا افروزند | تا کشتنش و سوختنش آموزند |

تست ۳: در کدام بیت آرایه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟

- ۱) آمد بهار عاشقان، معشوق گل رخسار کو
- ۲) نیایشش در دل خسرو اثر کرد
- ۳) در این چمن که ز پیری خمیده شد کمرم
- ۴) خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده

پُر بی دلان شد باغها، آخر بگو دلدار کو
دلش را چون فلک، زیر و زیر کرد
ز شاخهای بقا بعد از این چه بهره برم
که اندر خاک می جویند ایام جوانی را

تست ۴: در کدام بیت «حسن تعلیل» وجود ندارد؟

- ۱) عجب نیست از خاک، اگر گل شکفت
- ۲) خورشید فروزنده شبی پرده نشین شد
- ۳) اشک غماز من از سرخ برآمد چه عجب
- ۴) هر که به صد کرشمه پری وار بگذری

که چندین گل اندام در خاک خفت
کآمد به در از پرده مه چارده تو
خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست
بر چشم خود فرشته کشد خاک راه تو

تست ۵: در کدام بیت، آرایه «حسن تعلیل» وجود ندارد؟

- ۱) در وداع شب همانا خون گریست
- ۲) تا چشم تو ریخت خون عشاق
- ۳) مرا چو صبح به دست دعا نگه دارید
- ۴) مرا چو آبله بگذار تا شوم پامال

روی خون آلود ز آن بنمود صبح
زلف تو گرفت رنگ ماتم
که روشن است جهان از نفس کشیدن من
نمی رسد چو به کس فیضی از رسیدن من

تست ۶: در کدام بیت، آرایه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟

- ۱) تویی بهانه آن ابرها که می گریند
- ۲) در کارگاه عشق است تدبیر عقل بی کار
- ۳) در سیاهی می توان گل چید از آب حیات
- ۴) بدار دست ز اصلاح دل چو شد بی درد

بیا که صاف شود این هوای بارانی
طوفان نمی کند گوش تعلیم ناخدا را
گریه را باشد اثر دامن شبها بیش تر
گلی که نیست در او نکهتی گلاب مکن

تست ۷: کدام گروه از بیتها همگی «حسن تعلیل» دارند؟

- الف) دانی ز چه سرخ رویم؟ ایراک (زیرا)
 - ب) کفر دانی چیست دین را قبله خود ساختن
 - ج) این اشک به چشم من از آن جای گرفته است
 - د) از آن رنگ رخم خون در دل افتاد
 - ه) نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم
- ۱) الف، ب، ه
۲) ب، د، ه
۳) ب، ج، د
۴) الف، ج، ه

بسیار دمیدم آتشش غم
معنی کفر از نمی دانی ز اهل دین پرس
کاندر طلب وصل تو بسیار دویده است
وز آن گلشن به خارم مبتلا کرد
همه بر سر زبانند و تو در میان جانی

تست ۸: در کدام بیت، «حسن تعلیل» وجود دارد؟

- ۱) چون جگر عاشقان می خورد این شب به ظلم
- ۲) جانم اگر صافی است، دُردی لطف تو است
- ۳) بر اثر دل برو تا تو بینی درون
- ۴) عاقله شب تویی باززهانش ز ظلم

دود سیاهی ظلم بر دل شب می دمد
لطف تو پاینده باد بر سر جان تا ابد
سبزه و گل می دمد، جوی وفا می رود
نیم شبی بر فلک راه بزن بر رصد

تست ۹: در همهٔ گزینه‌ها حسن تعلیل به کار رفته است، به جز:

که داد بوی بهشتش نسیم عنبرعیش
شکوفه جامه دریده است و سرو سرگردان
چرا کند شکر قند جست و جوی تُرُش؟
کیاش به رقص درآورد؟ نور گوهر عیش

(۱) بگویمت که چرا خاک حور و ولدان زاد؟
(۲) ز بانگ مشغلهٔ بلبلان عاشق مست
(۳) شتاب و تیز همی رفت کو به کو پی من
(۴) بگویمت که چرا بحر موج در موج است؟



تحصیل باما

پانجاهم تست های حن تعلیل برای خانه:

۱- گزینه ۴

الف علت سرخی چهره ← بسیار دمیدن در آتش غم ج شاعر علت قرار گرفتن اشک در چشم خود را این دانسته که اشک به دنبال یار دویده است. ه علت نام نبردن از دوست ← در میان دل نه سر زبان جا داشتن او.

۲- گزینه ۳

در این گزینه هنوز علت بیان نشده است. احتمالاً در بیت بعدی، شاعر علت را بیان کرده است اما این بیت به تنهایی حسن تعلیل ندارد. **بررسی سایر گزینه ها:** ۱ دلیل وجود مژه ها در اطراف چشم این است که چشم یار مانند افراسیاب ترک است و مژه ها، سپاهیانی صاف بسته هستند. ۲ دلیل خندیدن و باز بودن دهان پسته این است که شنیده او را به دهان یار تشبیه کرده ایم. ۴ دلیل افروختن شمع این است که به او آموزش دهند که چه طور بمیرد و بسوزد.

۳- گزینه ۴

در گزینه «۴» علت خمیدگی پشت پیران ذکر شده است که غیر منطقی ولی شاعرانه است، پس «حسن تعلیل» دارد. معنی گزینه «۴»: از آن جهت پیران، خمیده پشت هستند که در خاک به دنبال جوانی خود می گردند. / در گزینه «۳» نیز به خمیدگی پشت اشاره شده است، ولی دلیل آن را پیری ذکر کرده و منطقی است.

۴- گزینه ۴

در گزینه «۴» دلیلی ذکر نشده است که غیر منطقی باشد. **بررسی سایر گزینه ها:** ۱ دلیل شکفته شدن گل ها زیبارویانی هستند که زیر زمین خفته اند. ۲ دلیل اینکه خورشید شبها در پرده می ماند این است که معشوق زیبا چهره اش را نشان داده است. ۳ دلیل سرخی اشک من این است که هر انسان گناهکاری شرمنده می شود و از خجالت قرمز می شود. اشک من هم از این که راز مرا عیان کرده خجالت زده است.

۵- گزینه ۴

در گزینه «۴» شاعر می گوید: چون از من به کسی خیری نمی رسد همان بهتر که مرا رها کنید، پس دلیل غیر منطقی ذکر نشده است. **بررسی سایر گزینه ها:** ۱ علت سرخی سپیده دم خون گریستن جهت جدایی از شب است. ۲ علت سیاهی موی یار عزاداری برای کشته شدن عاشقانش است. ۳ جهان از نفس کشیدن شاعر روشن می شود.

۶- گزینه ۱

در بیت گزینه «۱» هم علتی ذکر شده است و هم غیر منطقی و شاعرانه است. معنی: از آنجا که در نبودن تو ابروهای می گریند، پس ای امام زمان ظهور کن تا بیش از این سیلی به پا نشود.

۷- گزینه ۴

الف علت سرخی چهره ← بسیار دمیدن در آتش غم ج شاعر علت قرار گرفتن اشک در چشم خود را این دانسته که اشک به دنبال یار دویده است. ه علت نام نبردن از دوست ← در میان دل نه سر زبان جا داشتن او.

۸- گزینه ۱

از نظر شاعر، دلیل تیرگی شب، ظلمی است که شب با خوردن خون دل عاشقان در حق عاشقان روا داشته و سیاهی ناشی از این ظلم، گریبانگیر خود شب شده است.

۹- گزینه ۳

در این گزینه شاعر می گوید معشوق به شتاب در پی من است، چرا باید شکر قند (= استعاره از معشوق) در جست و جوی یک ترش (= خود شاعر) باشد؟ می بینید که هیچ دلیل ادبی در بیت مطرح نشده است.

تعمیل باما